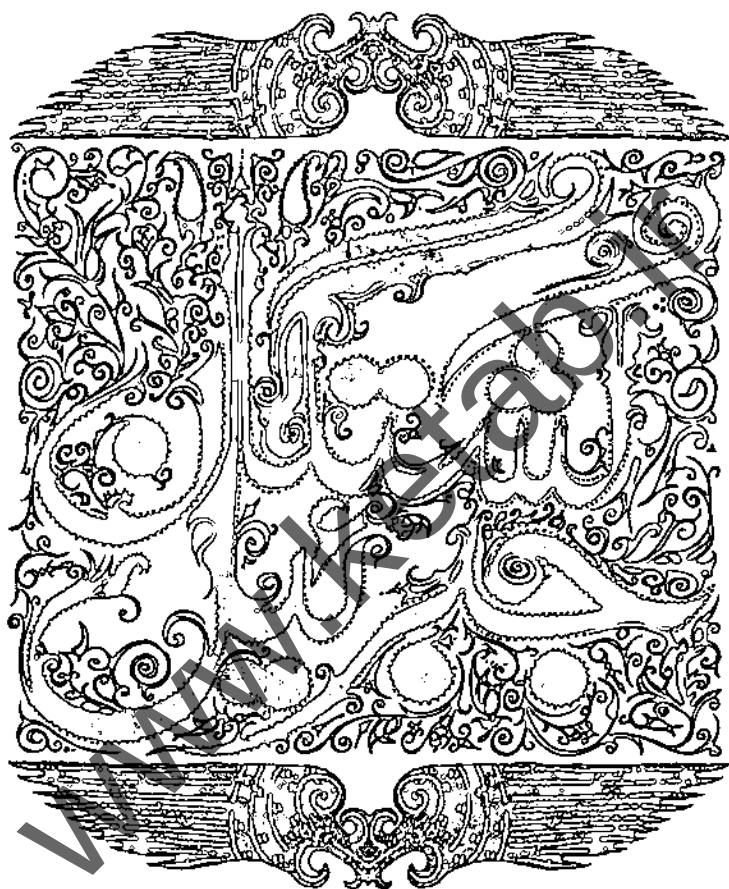
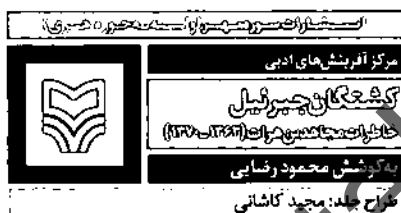




خاطرات مجاهدین هرات ۱۳۶۳ - ۱۳۷۰



به کوشش محمود رضایی



بازنویسی و ویراستاری: محمد کاظم کاظمی
چاپ: صحافی و لیتوگرافی: وژمیران قدیشه - چاپ قدیشه
چاپ اول: ۱۳۹۰
شمارگان: ۲۵۰ نسخه
قیمت: ۲۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۵-۰۲۷-۴
نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سرشناسه: رضایی، محمود، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور: کشتگان جبرئیل: خاطرات
مجاهدین هرات ۱۳۶۳-۱۳۷۰ / به کوشش محمود رضایی
[برای] مرکز آفرینش‌های ادبی.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۵۴ ص.

ISBN: 978 - 600 - 175 - 027 - 4

وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: افغانستان -- تاریخ -- اشغال روسیه شوروی.
۱۳۵۸ - ۱۳۶۸ -- خاطرات.
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ک ۶ / ۳۷۱ / ۲ / ۳
رده بندی دیویی: ۹۵۸ / ۱۰۴۵۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۸۷۱۳۲

شالی مهرلی حبلان حبلان رشنه پلاک ۲۳
صندوق پستی: ۱۱۲۴ - ۱۵۸۱۵ تلفن: ۶۶۴۷۷۰۰۱
تلفن مرکز پخش: (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱
www.iricap.com

درباره این مجموعه ۹۰

بخش اول / خاطرات سال های جهاد □ ۱۵

محمد ظاهر عظیمی / عطیات فرقه هرات ۱۷۰

غلام نبی حقجو، انشعاری ۲۳۰

محمد حسن توسلی، ماما جان! هیچ کارم نشد ۲۵۰

محمد حسن توسلی، کاروان ۲۷۰

مرضیه حسینی / اربعین ۲۹۰

محبوب بنایی «کاتب» / حدیث چند ایشارگر ۳۱۰

محبوب بنایی «کاتب» / خواب دو گانه ۳۳۰

لعل محمد فاضلی / داکتر فروتن ۳۶۰

محبوب بنایی «کاتب» / کماندوهای کابل ۳۸۰

محبوب بنایی «کاتب» / پایگاه سیدالشهدا ۴۰۰

محبوب بنایی «کاتب» / محموله شیر خشت ۴۳۰

- لطیف رمضانی / بمباران ۴۵۰
- لطیف رمضانی / عروسی ناتمام ۴۶۰
- محمد رفیع اصیل یوسفی / نانوائی جبهه ۴۸۰
- غلام نبی حقجو / یک جنگ مردانه ۵۲۰
- غلام نبی حقجو / جایزه بیست میلیونی ۵۵۰
- عبدالله قربانی / سرگردان در حلقه محاصره ۵۷۰
- حاج علی روستاپور / عملیات مین یابی ۶۲۰
- محمد رفیع اصیل یوسفی / محمد حسن مجاهد ۶۵۰
- حبیب الله نجفی / از هرات تا کنرها ۶۸۰
- محمد هاشم / ولسوالی غوریان / جنگ کلات قاضی ۷۱۰
- محمد رحیم احسانی / گذرگاه مهدی ۷۳۰
- سید آقا عالمی / روایت دو جراحت ۷۶۰
- غلام احمد نظری / چند برگ از جنایات ۷۹۰
- عبدالله قربانی / تانک مین پال ۸۰۰
- عبدالله قربانی / آن پیر مرد ناشناس ۸۳۰
- حاجی عبدالخالق جبر نیلی / هیچ کارم نشده... ۸۵۰
- غلام محمد / ولسوالی زنده جان / زنده جان در محاصره ۸۸۰
- سیف الدین / ولسوالی زنده جان / یک جراحت سنگین ۹۰۰
- حاج علی روستاپور / ملا سلطان علی ۹۴۰
- بصیر روستاپور / گروه بی خدا ۹۶۰
- سید کاظم موسوی / شرحی از یک بمباران ۹۸۰
- سید کاظم موسوی / بدون او نجاتگیده بودیم... ۱۰۱۰
- خواجه نور الله / ولسوالی غوریان / قلعه غوریان ۱۰۳۰
- محبوب احسانی / جبهه حاجی نوروز ۱۰۵۰
- شیخ عزیز الله نجفی / شرح یک سفر ۱۱۴۰
- شیخ عزیز الله نجفی / دزدان سرگردنه ۱۲۰۰
- شهید رضا حیدری / مجاهدین قدیم ۱۲۶۰
- طاهره شریفی / پدر و پسر ۱۲۹۰

غلام احمد نظری / جنگ چهل روزه ۱۳۲۰
 سید ابراهیم صابری / ورزش صبحگاهی و درخت های توت ۱۳۴۰
 عظیم اصغرپور / گمشدگان ۱۳۶۰
 سید کاظم موسوی / جبرئیل خانه ماست ۱۳۹۰
 حاجی عبدالخالق جبرئیلی / ... هیچ کس نرسیده است ۱۴۳۰
 حاجی عبدالخالق جبرئیلی / کشتگان جبرئیل ۱۴۵۰
 محبوب بنایی «کاتب» / عملیات مسلخ ۱۴۸۰
 عبدالله قربانی / عملیات گرگ آباد ۱۵۰۰
 قاری احمد علی غوره رازی / در کمین دشمن ۱۵۵۰
 حاج علی روستاپور / کمند امنیتی ۱۵۸۰
 مادر مجید / حاجی و هاب ۱۶۱۰
 ملا سبجان جفاره ای / در روایتی دیگر ۱۶۳۰

بخش دوم / جنگ زنده جان □ ۱۶۵

اشاره ۱۶۷۰
 غلام احمد / فرزند حاجی مرتضی / پیش بینی ها ۱۷۰۰
 محمد اسماعیل خان / مقدمات جنگ ۱۷۱۰
 محمد اسماعیل خان / آغاز جنگ ۱۷۳۰
 عبدالرزاق / پایگاه عمر فاروق ۱۷۵۰
 غلام مولود / روایت یک جراحت ۱۸۴۰
 سیف الدین / جنگ قلعه ریگ ۱۸۷۰
 سلطان احمد / دو برادر فرمانده ۱۹۱۰
 سیف الدین / یک به پانزده ۲۰۵۰
 سیف الدین / دشمن و حيله ای نظامی ۲۰۷۰
 روح الله / بمب خوشه ای ۲۰۹۰
 مولاداد / مولا! پدرم را ندیدید؟ ۲۱۱۰
 ملا نور احمد / گاو و تفنگ غنیمتی ۲۱۳۰

- ۲۱۵۰ ملا نوراحمد / گلوله توپ ابوس
- ۲۱۷۰ سلیم شاه / باغ های میوه
- ۲۱۹۰ عبدالجبار سلیمانی / کلینیک سیار
- ۲۲۱۰ حاجی میراحمد / هفت تانک و هفت سنگر
- ۲۲۳۰ محمد اسماعیل خان / جنگ آصف دلاور
- ۲۲۵۰ محمد اسماعیل خان / عبور از هریرود
- ۲۲۸۰ عبدالجبار / جنگ قلعه ملکی
- ۲۳۰۰ عبدالجبار / مین یا گلوله توپ
- ۲۳۳۰ میرزا عبدالقادر / بمباران
- ۲۳۴۰ میرزا عبدالقادر / سه معلولیت
- ۲۳۶۰ مولاداد / در قریه عزت
- ۲۳۸۰ مولاداد / آمده ام که در محل جنگ باشم...
- ۲۴۱۰ مولاداد / سه شهید
- ۲۴۳۰ محبوب بنایی «کاتب» / نیروی کمکی
- ۲۴۶۰ محمد اسماعیل خان / پایان جنگ
- ۲۴۹۰ واژه نامه

درباره این مجموعه



اهمیت و ضرورت خاطره‌نگاری برای رویدادی بزرگ مثل جهاد مردم افغانستان، بر کسی از اهل نظر پوشیده نیست. ولی آنچه در این مورد به این کار ارزش و اهمیتی خاص می‌دهد، این است که در این سال‌های فترت و مصیبت، این خاطرات می‌باید جای خالی بسیار چیزها را پر کند، مثل واقعه‌نگاری، گزارش‌نویسی و حتی پژوهش‌های تاریخی. به‌واقع در بسیار موارد این‌ها تنها روایت‌های مستند و عینی از رویدادهایی است که شاید کمتر خبرنگار یا تاریخ‌نگاری از آن‌ها باخبر شده باشد. چنین است که هر برگه‌ای از این خاطرات که بر زمین بماند و ثبت دفتر نشود، بخشی از تاریخ کشور ما نیز با آن به فراموشی سپرده شده است.

و باز با دریغ تمام باید گفت که دست ملت ما از این خاطرات نیز بسیار پُر نیست. در میان مجاهدین کشور ما خاطره‌نویسی رایج نبوده است و بسیار اندک‌اند کسانی که از سال‌های جهاد، نوشته‌ای به یادگار نهاده باشند. از سویی دیگر در کشور ما تا کنون هیچ کار گسترده‌ای

برای حفظ و ثبت خاطرات جهاد نشده است، مگر تدوین و انتشار یک دوره کتاب در اوایل دهه هفتاد.

به واقع، جرقه طرح گردآوری خاطرات در سال ۱۳۷۰ زده شد، به همت شاعر و روزنامه‌نگار صاحب‌نام، محمدحسین جعفریان که خاطره‌هایی از جهاد را در کتاب «شانه‌های زخمی پامیر» به چاپ رساند. این کار سپس به صورت وسیع‌تر و البته با همکاری ایشان، در قالب کتاب‌هایی با عنوان «خاطرات جهاد افغانستان» در دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری ادامه یافت و به انتشار بیش از ده مجموعه خاطره انجامید که تدوین آن‌ها را جمعی از نویسندگان مهاجر بر عهده گرفتند و صاحب این قلم نیز در کار ویرایش و آماده‌سازی کتاب‌ها سهمی داشت. در آن کتاب‌ها غالباً خاطراتی از مناطق مختلف کشور گرد آمده بود.

بعداً به نظر آمد که خاطرات مجاهدان بعضی از نواحی کشور، آن کمیت و کیفیت را دارد که به صورت مجموعه‌هایی مستقل و ویژه یک منطقه تدوین شود. چنین شد که کتاب‌های «در پگاه بلخاب» و «سنگر شیخ تراغ» ویژه خاطرات جهاد در مناطق بلخاب و ولایت جوزجان و مالستان و ولایت غزنی گردآوری و منتشر شد.

وسعت ولایت هرات و گستردگی فعالیت‌های جهادی در این منطقه، ایجاب می‌کرد که کاری مشابه و البته وسیع‌تر برای اینجا نیز صورت گیرد؛ ولی این کار طبیعتاً دشواری‌های خاص خود را داشت. گردآوری این خاطرات به ناچار باید با گفت‌وگو و ضبط شفاهی انجام می‌شد و آن هم در وضعیتی که حدود یک دهه یا گاه بیشتر، با اصل وقایع فاصله افتاده بود. بعضی از مجاهدین در این سال‌ها به شهادت رسیده بودند؛ بعضی دیگر به دور و کنار پراکنده شده بودند؛ بعضی جهاد و خاطراتش

را به کنار نهاده بودند و بعضی نیز به مقام‌ها و مسئولیت‌هایی رسیده بودند که دسترسی به آن‌ها را دشوار می‌کرد. کسانی هم بودند که یا اهمیت کار را درک نمی‌کردند و یا نسبت به بی‌ثباته بودن این طرح تردید داشتند.

خوشبختانه جناب محمود رضایی پای در میان نهاد و در اوایل دهه هفتاد با همت و تلاشی ستودنی، با همه دشواری‌هایی که گفتیم، حجمی چشمگیر از این خاطرات را فراهم آورد. همچنان روزنامه‌نگار هموطن، جناب سیدجواد علوی نیز بخشی از خاطراتی را که خود فراهم آورده بود، در اختیار ما نهاد که این هم جای سپاس دارد.

ولی بسیاری از کسانی که محفوظاتشان را بازگو می‌کردند، عملاً تصویر درستی از «خاطره» نداشتند و چنین بود که متن حاصل، آمیزه‌ای شد از خاطره، گزارش، تحلیل و گاه حتی گله و شکایت از زمانه و ابنای آن. این قضیه، تلخیص و بازنویسی گفت‌وگوها را ایجاب می‌کرد و این کار بر عهده نگارنده این سطور نهاده شد. حاصل کار، دو کتاب بود، یکی «تشنگان دشت غوریان» و دیگری کتاب حاضر که به‌واقع، ادامه آن به حساب می‌آید.

جهاد اسلامی در هرات، شروع و فرجامی بسیار برجسته داشته است؛ یعنی از قیام گسترده ۲۴ حوت (اسفند) ۱۳۵۷ شروع شده و با جنگ «زننده‌جان» در سال ۱۳۷۰ به پایان رسیده است. این هر دو واقعه در مبارزات مردم افغانستان تعیین‌کننده و به‌یادماندنی بوده است؛ از همین روی در کتاب «تشنگان دشت غوریان» حاضر، فصلی مستقل برای قیام ۲۴ حوت خواهید یافت و در کتاب حاضر فصلی ویژه جنگ زننده‌جان. بقیه خاطرات نیز بر اساس سیر زمانی در این فاصله درج شده است.

ما در این کتاب‌ها، بنا را بر صحت گفته‌های گویندگان گذاشتیم و از تصرف در آن‌ها پرهیز کردیم؛ ولی با توجه به اینکه حدود یک دهه از وقایع فاصله داشتیم، بعضی از رویدادها با دقت تمام در حافظه آنان نمانده بود؛ مثلاً واقعه واحدی را گوینده‌ای به سال ۱۳۶۱ و گوینده‌ای دیگر به سال ۱۳۶۲ نسبت می‌داد. در این موارد کوشیدیم که با کمک قرائن دیگر، نقل درست را دریابیم و ثبت کنیم. در هر حال، تصرفی در شرح واقعه صورت نگرفت و حتی المقدور لحن گفتاری افراد نیز حفظ شد. همچنین واژگان رایج در فارسی افغانستان را حفظ کردیم تا نثر کتاب رنگ و بوی بومی خود را از دست ندهد. این واژگان برای دیگر هم‌زبانان در واژه‌نامه آخر کتاب معنی شده است.

چنانکه پیش از این گفتیم، ما با این خاطره‌ها ناچاریم که تا حدودی جای خالی تاریخ‌نگاری و گزارش‌نویسی را نیز پُر کنیم. این خاطرات چه بسا که برای آینده از منابع و مأخذ تاریخ‌نگاری به حساب آید. به همین سبب، بعضی خاطره‌هایی را که گاه شکل گزارشی یافته است نیز از قلم نینداختیم تا مجموعه این دو کتاب بتواند تصویری نسبتاً منسجم از جنگ و جهاد در منطقه هرات به دست دهد.

می‌پذیریم که ممکن است در این دو کتاب، خاطرات مجاهدین بعضی از گروه‌های سیاسی حضور بیشتری داشته باشد؛ به‌ویژه گروه‌هایی که در سال‌های پس از پیروزی، کمتر به قدرت دست یافتند. علت هم سهولت ارتباط با این اشخاص بود. چون، کمتر دارای پست و منصبی بودند که دسترسی به آنان را دشوار کند؛ در حالی که حتی گرفتن وقت ملاقات با کسانی که در حکومت سه‌ساله مجاهدین به مناصب و مدارجی رسیده بودند، دشوار بود. این قضیه لاجرم بعضی از آن خاطرات ارجمند را از دسترس گردآورنده دور داشت.

با این همه، ما تدوین نهایی کتاب‌ها را مدتی به تعویق انداختیم. به امید اینکه به خاطرات همه مجاهدین دست یابیم و حتی در سال‌های حکومت طالبان که بسیاری از دولتمردان به جمهوری اسلامی ایران پناهنده شده بودند نیز، گردآورنده در پی گردآوری خاطرات آن‌ها برآمد؛ ولی جز یکی دو تن، گویا دیگر کسی روحیه و حال و حوصله کافی نداشت. آنانی هم که دل و دماغی داشتند، در کار بسیج شدن برای مقابله با طالبان بودند و باز به آن کار بیشتر راغب بودند تا بازگویی خاطرات خویش.

در سال‌های اخیر و با پراکنده شدن، کهولت و یا درگذشت بسیاری از مجاهدین، گردآوری خاطرات جهاد بیش از پیش دشوار و گاه ناممکن شده است؛ بنابراین به نظر می‌آید که می‌باید این دسته از خاطرات را به نشر سپرد؛ با این امیدواری که این‌ها خود انگیزه‌ای شود برای کسانی که هنوز خاطراتی در سینه و یا به صورت مکتوب دارند و می‌توانند این کار بسیار مهم و ضروری را پی بگیرند. به‌راستی اگر حدود یک دهه پیش همین خاطره‌ها ثبت و ضبط نشده بود، فراهم کردن همین کتاب‌ها نیز مقدور نمی‌بود.

محمد کاظم کاظمی

مشهد - پاییز ۱۳۸۸